

فرزان یا بینش زرتشتی

بر پایه ی آموزش های اشو زرتشت و سروده های اندیشه برانگیز او
"گاتهای ورجاوند":

هدف و آرمان دین بهی رساندن انسان و همبودگاه های انسانی به آرامش می باشد. آرامشی که افزایش و پیشرفت را در پی داشته و سرانجام به رسایی یا تکامل خواهد انجامید. تکاملی که میوه ی آن شادی و خشنودی کامل بوده و انسان را به جاودانگی و بيمرگی، یا به گفته ی دیگر به "هورامزدا" پیوند می دهد.

بنیادی ترین وسایل رسیدن به این هدف را می توان در سه عبارت زیر کوتاه نمود:

اندیشه نیک – گفتار نیک – کردار نیک

اشو زرتشت بنیان های زندگانی را به ما می شناساند که این بنیان ها همیشه بوده و وابسته به زمان و مکان نمی باشند. بر اساس این آموزش ها درمی یابیم که برای رسیدن به هدف باید از جای درست آغاز کرد و راه درست را پیمود.

گام نخست به کار انداختن اندیشه و خرد نیک است. بدین معنا که باید دید و شناخت و در تمام جنبه های بیرونی و درونی زندگی گندوکاو کرد. در این راه باید که از دانش گیتایی (مادی) و مینوی (معنوی) بهره گرفته و به

سنجش آنها پرداخت تا بتوان به قانون و هنجاری که بر هستی و آفرینش فرمانرواست پی برد.

این قانون همان هنجار و اندازه ای (تعادلی) است که در جهان آخشیجی و هستی است. انسان نیز بخشی از این آفرینش است، اما آن بخشی که بر اثر داشتن نیروی اندیشه و آفرینندگی می تواند بر این روند هنجاری "هایی" یا "نایی" (تاثیری مثبت یا منفی) بگذارد.

اگر انسان در پی آرامش و شادی و خوشبختی است، راهی نیست جز آنکه برابری نیروها و اندازه های هستی را بر هم نزنده بلکه خود را با آن هماهنگ و اندازه کند. در این آرامش است که شرایط مناسب برای پیشرفت فکری و روانی فراهم شده و می توان به سوی تکامل که همانا دست یافتن به دانش راستین است به پیش رفت. در آن جاست که شادی و خشنودی کامل به دست آمده و روان^۱ به جاودانگی و بيمرگی دست می یابد.

این آرامش و شادی زمانی کامل خواهد شد که فراگیر باشد. بنابراین یک زرتشتی باید پس از دست یافتن به این اندازه ی درونی به ساخت و آبادانی همبودگاه خود و همه ی جهان پرداخته و با همکاری در سازمان دوستی جهانی آن را به سوی آرامش همگانی به پیش ببرد. آن زمان است که در سایه ی شکوفایی و افزایش و نوشدن و پیش رفت همیشگی، رسایی و جاودانگی به دست می آید.

جمع بندی باورهای بنیادین دین زرتشت

- یکتایی اهورامزدا، خداوند جان و خرد، آفریننده، آرایش دهنده و پیش برنده ی جهان
- آفرینش بر پایه ی قانونمندی و یا خرد و دانش و داد
- پویایی و همیشگی بودن آفرینش یا دگرگون شدن و نو شدن آن
- هدف آفرینش، رسیدن به رسایی و تکامل است.
- انسان که خود یکی از آفریده های هستی است با همکاری با شالوده آفرینش به سوی تکامل پویا می گردد زیرا او نیز مانند دیگر نمودهای آفرینش از گوهر یا ذات اهورایی برخوردار بوده و می تواند با پرورش ویژگیها و فروزه های اهورایی، (که با نام "امشاسپندان" نیز یاد می شوند) در خود به رسایی و جاودانگی و خدایگونگی دست یابد.
- راه رسیدن به رسایی و جاودانگی، هماهنگی با قوانین موجود در آفرینش و هستی است. از اینرو می باید با استفاده از تمام توانایی ها و گنجایش ذهن و اندیشه ی پاک و اهورایی و با مهر و دلبستگی و بدون چشمداشت کار و تلاش نمود و به نوسازی و بهسازی جهان پرداخت. نتیجه ی چنین زندگانی، بی گمان زیستن در یک آرامش کامل و شادی و خشنودی است.
- انسان پدیده ای است که گروهی می زید و توانایی آگاه شدن دارد که اگر شد تکامل خود را در تکامل گروه و همبودگاه انسانی خود می داند.
- "بد" و "خوب" و "یا بدتر" و "بهتر" مفاهیمی ذهنی و نسبی هستند و تنها هنگامی می توانند درست دآوری شوند که خرد یا قدرت تشخیص دهندگی در انسان به درستی بارور و ساخته شده باشد. "سپنتا مینو" گوهر و

اندیشه ی بهتر، پیشبرنده و سازنده می باشد و "انگره مینو" اندیشه بد، ویران ساز و بازدارنده. اندیشه ی پیشبرنده به انسان کمک می کند تا هم خود و هم جهان پیرامون خود را به پیش برد. اندیشه ی ویران ساز به خود انسان و همبودگاه و جهان آسیب می رساند. انسان خردمند اندیشه ی سازنده را برمیگزیند.

- آزادی گزینش و نتیجه ی مناسب با آن (قانون کنش و واکنش). اگر انسان گزینش درست نکند در ناآرامی و آشفتگی به سر خواهد برد تا زمانی که به خود آمده و راه درست را در پیش گیرد.
- بر پایه ی این قانون، پایه بر گزینش است و جبر و تقدیر و سرنوشت در شکل گیری آینده ی انسان جایی ندارد.
- تمرکز در سکوت و نیایش ها ابزاری هستند که به انسان کمک می کنند تا مهر خدایی تجربه شده و به بینهایت اهورایی پیوند یابد.

اهورا مزدا، خدای زرتشت

اهورامزدا به چم “هستی بخش اَبردانا” یا “خرد کل باشنده” و یا به زبان ساده تر و به گفته ی روانشاد فردوسی توسی “خداوند جان و خرد” آن نیروی فراگیر و جهانی می باشد که همه چیز در اوست و از اوست. به گفته ی دیگر تمامی آفریده ها نموده‌های گوناگونی هستند از این نیروی کلی که دارای سه ویژگی بنیادین می باشد :

هستی - آگاهی - آفرینندگی

خداوند از مینوی آفریننده ی خود (سپنتامینو Spenta Mainyu) و از هستی خود بر پایه ی قانون خود (اشا Asha) می آفریند، می پروراند، می آراید و به پیش می برد.

انسان و جهان زنده و پوینده ی او بخشی از این آفرینش نیک و شادی آفرین است. از آنجا که اهورامزدا یک نیروی کلی بوده و تمامی هستی را در بر می گیرد بنابراین دارای پیکر و شکل ویژه ای نمی باشد. برای شناخت او باید فروزه هایش (ویژگی هایش) را شناخت. این فروزه ها و توانایی ها در انسان نیز هست و راهنمای او در زندگانی و پیشرفت به سوی تکامل می باشند. بنابراین انسان دارای همان فروزه های خداوندیست که باید بدانان آگاه شده و با پیشبرد و شکوفایی و آفرینندگی آنان خود را مزداگونه گرداند. بر همین پایه انسان های آگاه نیز دست به دست هم داده و دنیای زنده را در مسیر تکاملی اش یاری رسانده و در دگرگونی و نوشتنِ همیشگی به پیش می برند. اینچنین انسان همکار خداوند می گردد.

بنیان های زندگانی

(فروزه های مزدایی-انسانی)

1- سپنتا مینو **Spentâ mainyu** یا “گوهر آفرینندگی” فروزه ی آفرینندگی اهورامزداست. از این فروزه است که آفرینش پدید آمده است. این قلمرو همواره می افزاید و می گسترد و به پیش می برد و از آن است که ما انسانها نیز آفریننده می باشیم.

2- **وهُومَنَ Vohu mana** (بهمن به فارسی امروزه) یا اندیشه نیک و نیت پاک. اهورامزدا جهان را با اندیشه ی نیک آفرید. آفرینندگی و سازندگی، خود نیکی است. به زبانی دیگر می توان گفت که “وهُومَنَ” شالوده و نقشه ی فراگیر و بزرگ آفرینش است.

با کمک وهُومَنَ انسان به وجود و چگونگی اهورامزدا آگاهی یافته، به رازهای زندگی دست می یابد و به خویشکاری یا وظیفه ی خویش در زندگانی آشنا می شود.

داشتن اندیشه نیک نخستین گامی است که انسان برای رستگاری برمی دارد. از دیدگاه فلسفه زرتشت انسان باشنده ای است اندیشمند. درست همین اندیشیدن و ژرف اندیشی است که انسان را از دیگر جانداران جدا می سازد چون که به نیروی “خرد” می انجامد. خرد نیرویی است که با آن می توان پدیده ها را با هم سنجید و بد و خوب را از هم جدا کرد. همین شناسایی خوب از بد به انسان اختیار برگزیدن می دهد و او را آزاد و مختار می سازد که یکی از این دو را برگزیند. بنابراین آزادی در گزینش و با گزینش است.

“خردمند” آن است که پس از شناسایی و سنجش آن چه سودمندتر و انسانی تر، اخلاقی و بهتر است را برگزیند. اما “نابخرد” که وارون خردمند است آن کسی است که پس از سنجش بدتر و بدترین را برمی گزیند.

در اینجا نیاز است که دریابیم خوب چیست و بد چیست. بنا بر گاتها خوبی و بدی دو راه اندیشیدن است. انسان آزاد است که از میان آن دو، یعنی “بد” و “بهتر” یکی را برگزیند. اندیشه ی بهتر از خواستی نیک (نیت خوب) برمی خیزد که آن سازنده و جانبخش بوده و به سود همبودگاه انسانی است و بد، آن است که زیانبار بوده و به جان (ها) و انسان (ها) آسیب برساند. این هر دو نسبی بوده و در رابطه با زمان و مکان سنجیده می شوند. آن اندیشه ای نیک است که پیامد آن گفتار و کردار نیک باشد.

3- **Ashâ یا Artâ** قانون و هنجار و ترتیبی است که آفرینش بر اساس آن شکل گرفته و به پیش می رود. بنیان این هنجار بر راستی، درستی و داد یا عدل است. در این چهارچوب از قوانین فیزیکی-آخشیجی گرفته تا قوانین همبودگاهی و قوانین پیدا و ناپیدای چیره بر دنیای مینوی و روانی جای دارد.

بنا بر گزارشی “آیین راستی، کار درست را در زمان درست و مکان درست و با ابزار درست و برنامه ی درست انجام دادن است. نتیجه ی آن همواره درست خواهد بود و جز آن نمی تواند باشد.”

بنا بر گزارشی دیگر “راه درست برای انجام هر کاری آن است که کمترین مقدار انرژی برای انجام آن به کار گرفته شود و از به هدر دادن بیهوده انرژی جلوگیری شود.”

انسان و همبودگاه اگر در راه راستی و درستی و داد گام بردارند و خود را با قانون هستی و آفرینش هماهنگ کنند به اندازه و هنجار و آرامش و پیشرفت و تکامل دست می یابند و از آنان است که سازندگی آغاز می شود و به همه سود می رسد.

وارون آن یعنی دروغ، از هم گونه اش، یعنی در اندیشه و گفتار و کردار است که نتیجه ی نادرست داده و زیان و آزار و خرابی می رساند. آنچه آزار دروغکار را چند برابر می کند و تباهی می آورد خشم است. خشم، خرد و هوش را از دست دادن است و سرچشمه ی جور و ستم و بیداد است. پس باید بدور از خشم و دروغ، هر کس بر آیین راستی و درستی کار کند و هم خود و هم دیگران را خرسند و شاد و آباد گرداند. گاتها پیروان اشا را “آشَوَن” Ashavan و پیروان دروغ را “دِرِگَوَنَت” Dregvant می نامد.

اگر بخواهیم چند نمونه از قوانین آخشیجی- همبودگاهی را که نمودار اشا می باشند نام ببریم می توان از موارد زیر یاد کرد:

قوانین آخشیجی/ فیزیکی مانند :

- کنش و واکنش یا علت و معلول Cause and effect
- پیشرفت Progress
- وابستگی Interdependence
- تاثیرگذاری متقابل Inter-reflection

قوانین انسانی- همبودگاهی مانند :

- آزادی گزینش
- پاسخگویی (مسئولیت) انسان در برابر گزینش خود
- برابری حقوقی تمام انسان ها

- قانون کنش و واکنش، که بر اساس آن هر کس نتیجه ی مناسب با کنش خود را، دیر یا زود اما بدون سوخت و سوز، می گیرد.
- هر کس و هر چیز باید در جای درست و مناسب خود قرار گیرد تا نتیجه ی درست به دست آید.
- جایگاه زیست باید سالم و پاک نگاهداری شود تا زندگانی امکان ادامه و رشد داشته باشد.

- دنیا در مسیر تکاملی خود همواره دگرگون و نو می شود. و انسان می تواند در این راه نقش سازنده و یا ویران ساز داشته باشد.
- میانه روی بهترین و اشایی ترین شیوه ی برخورد با مسائل است.
- اشا وهیشتا یا اردیبهشت به فارسی در چم بهترین راستی و درستی و یا بالاترین و ناب ترین حقیقت میباشد. اشا وهیشتا جایگاه انسان های رسایی یافته است. این واژه است که در زبان پارسی به بهشت دگرگون شده است.

4- خَشْتَرُ Khshathra (شهریور به فارسی) یا “خویشتنداری” و “آبادسازی” (کردار نیک).

انسان به دنبال خودآگاهی و بهره گیری از خرد نیک و اشویی زیستن میتواند نیروهای تنی و روانی خود را به آنچنان هماهنگی و هنجاری برساند که آنها را در اختیار و چیرگی خود درآورده و بر هوس های نفسانی خود چیره شود. این چنین چیرگی یا فرمانروایی بر خود را فرمانروایی یا شهریاری اهورایی نیز می نامند بدین چم که این فروزه خداوندی در انسان به کمال خود می رسد.

رفتار و کردار چنین انسانی با دیگر انسان ها از روی خرد و با آرامش و بینش درست بوده و یا به گفته ی دیگر نیک کردار می شود. اینگونه نیک

کرداری ساختن و آباد کردن را به دنبال میاورد. پس خشترا آن گامه ای است که هم برای انسان و هم همبودگاه انسانی آبادانی می آورد و واژه ی “شهر” که از خشترا می آید در چم جایی است که آباد شده است و “شاه” کسی است که آباد می کند.

وَهُوَ خَشْتَرُ وَتَیْرِيَه Vohu khshathra vairya به چم “شهریاری خوب برگزیدنی”، آن سیستمی است که انسان های با اندیشه و گفتار و کردار نیک دست به دست هم داده و آن نیروی خوب را از میان خود برگزینند و برپا سازند. آن سیستمی را “شهریاری خدایی” می نامند که در آن از زور و ستم و خشم و بیداد خبری نباشد و همه از زندگانی خوش و خرم و آسوده بهره مند گردند. خشترا را می توان به سادگی در چم “هنجارو سامان خوب” هم دانست.

5- سپنتا آرمیتی Spentâ Ârmaiti (اسفند به فارسی) یا مهر و

عشق بی چشمداشت و همچنین آرامش افزاینده.

انسان هنگامی که بر خود چیره شد، به آگاهی رسید و با پیروی و هماهنگی با قانون اشا به هنجار در نیروهای تنی-روانی دست یافت، آنگاه نیک کردار و مهربان و شادخو و شادزی و از خود گذشته می گردد، به همه مهر میورزد و خشنودی خود را در خشنودی دیگران می جوید. این حالت، آرامشی در او پدید می آورد که در آن همه چیز برای پیشرفت روزافزون و شتاب گیرنده به سوی رسایی و بی مرگی فراهم می آید. سپنتا آرمیتی نمودار این پیشرفت در آرامش است.

به همین ترتیب همبودگاهی خشتراپی نیز به آرامش و هنجار و شادی و خشنودی دست پیدا می کند و توانایی ها برای پیشرفت و تکامل نمودار گشته و به کار می افتد تا در نتیجه ی آن آرامش و دوستی جهانی به دست آید.

¹ روان یا "اوروان" ، برای آگاهی بیشتر نگاه شود به بخش "انسان چیست"

6- **هَورَوَتات Haurvatât** (به فارسی خرداد) یا نماد رسایی و خودشناسی، آن حالتی است که تن و روان در سایه ی آرامش به دست آمده به سوی تندرستی و توانایی و خودشناسی کامل به پیش رفته و کمی ها و کاستی ها را هر چه بیشتر از خود دور می کنند و به بهترین حالت خود می رسند که آن زیستن در شادی و خشنودی و آرامش راستین است؛ که آن شناخت راستین اهورامزداست.

بایسته ی خدایشناسی، رسایی است و بایسته ی رسایی، خودشناسی است.

اینگونه انسانها جهان را نیز بسوی خسترا و دوستی جهانی به پیش برده و آن را به کمال می رسانند.

7- **امیرتات Ameretât** یا بی مرگی و جاودانگی = خارج بودن از زمان و مکان؛ آنگاه که در آرامش افزاینده، روان خود را به رده های بالای تکامل رسانده و به آرامش کامل و خرسندی مینوی رسیده و با اهورامزدا یکی شویم، مانند او جاودانه می گردیم.

گاتها این حالت جاودانی را "گرو دمانا" **Garo demânâ** یا خانه ی سرود می نامد که جایگاه اندیشه ی نیک است، جای آرامش و رامش روان است.

اما در گونت و دروغکار، در خانه ی دروغ به سر می برد و از وجدان در رنج خود رنج می برد تا آنکه پشیمان شده، از بدی ها دور گشته، به نیکی بگراید تا رستگار گردد و به خانه ی اندیشه نیک و سرای سرود برسد.